

ابتدا از دوستانی که مقدمات برگزاری این جلسات و فرصتی برای بحث علمی و استفاده از دوستان و اساتید را فراهم می‌کنند، تشکر می‌کنم. موضوعی که قرار شده در این جلسه مطرح شود، «نظریه فتوای شورا» است. فرمودند که ابتدا طرح بحثی صورت بگیرد، سپس از دیدگاه‌های دوستان و سروران عزیز هم استفاده خواهیم کرد. صحبت‌هایم را در دو بخش تنظیم کرده‌ام که خدمت شما بیان کنم.

اعتبار و حجیت فتوای صادرشده و تقلید از شورای فقهی

اجمالاً در این جلسه می‌خواهیم درباره دو پرسشی که کاملاً با هم ارتباط دارند، صحبت کنیم و به این دو پرسش پاسخ دهیم.

پرسش اول این است: آیا همان‌طور که فتوای مجتهد که به صورت فردی صادر شده است، حجیت دارد و معتبر است، فتوای شورای فقهی نیز اعتبار، نفوذ و حجیت دارد؟

پرسش دوم از این قرار است: همان‌گونه که می‌شود از فقیه واجد شرایط و از یک مجتهد تقلید کرد و فتوای یک مجتهد برای دیگران اعتبار دارد و می‌توانند تقلید کنند، آیا می‌شود از شورای فقهی هم تقلید کرد؟

همان‌گونه که می‌دانید، بحث افتا و تقلید کاملاً با یکدیگر مرتبط هستند.

پیشینه شورای فقهی

اما بخش نخست درباره پیشینه این موضوع است که آیا بحث شورای فقهی در تاریخ علمای شیعه سابقه‌ای دارد یا نه؟ اگر سابقه دارد، به چه زمانی برمی‌گردد؟ شورای فقهی به معنای مصطلح خودش - یعنی به معنایی که مدنظر ماست - سابقه چندانی ندارد، اما در لابه‌لای برخی از کتاب‌های فقهی فقه‌های گذشته، مباحثی مطرح شده که بی‌ارتباط به بحث شورای فقهی نیست. برای نمونه مشاوره در افتا امر سابقه‌داری است؛ هم در آثار شیخ طوسی و هم در آثار علامه حلی این مسئله مطرح شده است که اگر مجتهد بخواهد فتوا دهد، بهتر است با صاحب‌نظران مشورت کند؛ با کسانی که در مسائل فقهی مهارتی دارند، مشاوره و تبادل نظر کند و بعد فتوا دهد. این مشاوره و مشورت هم در مفتی است و هم در مورد حاکم؛ چنان‌که در مورد قاضی نیز است.

در کتاب القضا - اگر ملاحظه فرموده باشید - و سابقه‌دار هم است - قاضی در مقام قضاوت مشورت کند و بعد حکم صادر کند. اندکی که جلوتر می‌رویم، در دوره‌های اخیر (شاید حدود ۲۰۰ سال گذشته) برخی از علما در رساله‌های خود با عنوان رساله فتوا این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا می‌شود از برخی فقها تقلید کرد؟ یعنی به جای این‌که از یک فرد تقلید صورت گیرد، از جمعی که در یک فتوا اتفاق نظر دارند، تقلید کرد.

گفته‌اند بله. همان‌گونه که می‌شود از یک فرد تقلید کرد، از یک جمع نیز می‌شود تقلید کرد. ولی صورتی را که تصور کرده‌اند، این است که تعدادی از فقها در یک نظر اتفاق داشته باشند. مثل این‌که شورای فقهی که ما مطرح می‌کنیم، در یک مسئله‌ای اتفاق نظر حاصل کنند. به جای این‌که از فرد تقلید صورت می‌گیرد، از جمع تقلید می‌شود، ولی جمعی که بر یک فتوا و بر یک نظر فقهی اتفاق نظر داشته باشد.

دیدگاه علما درباره فواید شورای فقهی

اما در دوره‌های اخیر گروهی از علما به‌طور صریح بحث شورای فقهی را مطرح و از آن دفاع کرده‌اند؛ هرچند با رویکردهای متفاوتی بحث شورای فقهی را مطرح کرده‌اند؛ رویکردی که علمایی همچون مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم سید مرتضی جزائری و مرحوم شهید مطهری مطرح کرده‌اند. توجیه آن‌ها این بوده است که رشد و پیشرفت دانش فقه مانند بسیاری از دانش‌های دیگر نیازمند بحث و تبادل نظر و تلاش علمی گروهی است. همان‌طور که در دانش‌های دیگر دانشمندان و متخصصان فن با بحث و تبادل نظر و با فعالیت علمی گروهی، زمینه‌های پیشرفت دانش را فراهم می‌کنند، علم فقه نیز از این علوم مستثنا نیست. فقه هم اگر بخواهد رشد و پیشرفت کند و افق‌های جدیدی را بگشاید، مستلزم این است که فقها از تلاش فردی به سمت تلاش جمعی و گروهی بیایند و با بحث و تبادل نظر به مسائل فقهی توجه کنند که دستاوردهای فراوانی دارد و باعث رشد و پیشرفت علم و کاهش اختلاف فتواها خواهد شد؛ فتواهای متعددی که گاهی در میان فقها وجود دارد و در ادوار مختلف این تبادل نظرها و مباحثات گروهی باعث می‌شود که این اختلافات کاهش پیدا کند. چه‌بسا اگر به صورت جمعی بحث کنند، در بسیاری از اختلافات فتواها به یک نظر برسند.

من عبارتهای این بزرگان را هم آورده‌ام، ولی چون فرصت اندک است که همه این دیدگاه را نقل کنم، از نقل عبارات این بزرگان صرف‌نظر می‌کنم. تنها یک مورد از عبارتهای این سه بزرگوار را که روشن‌تر است، نقل می‌کنم. طرح شورای فتوایی عبارت است از: افراد به‌جای آن‌که از شخص معینی تقلید کنند و در مسائل دینی از نظریات فرد به‌خصوصی پیروی کنند، مجمعی تشکیل شود که در آن فقهای مسلم اصلیت داشته باشند و مسائل در آن‌جا مطرح شود، مورد شور علمی قرار بگیرد و چون اتفاق نظر در تمام مسائل بین همه افراد ممکن نیست، شورا موظف باشد نظر اکثریت را اعلام کند.